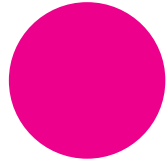


«مجله حوزه» از پگاه انقلاب (سال ۱۳۶۲) این مهم را پی گرفت و نقش نخستین را در میدان اندیشه‌سازی و فرهنگ‌سازی بایستگی تحول حوزه‌های علوم دینی ایفا نمود و چند ویژه‌نامه و ده‌ها مقاله را تقدیم کرد. چند ماه پیش با همکاران دانشور مجله پیشنهاد دادم، که خوب است، «تحول حوزه» را با نگاه به نیازه‌های امروزی بشر در جوامع اسلامی و جمهوری اسلامی و دگرگونی فرهنگی و اجتماعی جدید، بار دیگر به گفت و گو بگذاریم و شماره‌ای از مجله را ویژه آن قرار دهیم، خوش آن که با استقبال فضلان روشن‌اندیش و دغدغه‌دار فردای حوزه روبه‌رو شدیم و یک شماره به سه شماره بر نشست. انگاره‌مان از این گفت و گوها این بود که بیشتر با نگاه به ناکامی‌های حوزه و گونه‌نقش‌گذاری‌اش در انجام بهینه رسالت عصری‌اش به ریشه و کلید تحول برسیم. پرسش‌هایی در ذهنمان برجسته شد، چهل سال از انقلاب اسلامی که خاستگاه آن حوزه‌های علوم دینی باشد سپری شده است، آیا حوزویان در انجام بهینه رسالت نقش‌گذاری‌اش در راستای تأمین علمی، نظری و پشتیبانی تئوریک و نرم‌افزاری از انقلاب اسلامی، سربلنداند؟ در این چهل سال صدها پرسش فراروی حجت‌الاسلام‌ها و آیت‌الله‌ها قرار گرفت و ده‌ها نیاز برای نظام پیش‌آمد و به حوزه‌ها برای پاسخ عرضه شد و بسیاری از این پرسش‌ها بدون پاسخ در ذهن نسل جدید و رو به جلو ایران و انقلاب بدون پاسخ جای

چه دردمندانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی خطاب به فضلا و طلاب درسش، در تحلیل علت زندانی شدن یونس پیامبر علیه السلام در شکم ماهی اشاره داشتند: پیغمبری که عمری در امت خویش زحمت کشید، اما خدا در برابر یک حرکت فردی که ناشی از خستگی و یأس از هدایت مردم بود می‌فرماید: «فَطَنَ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» (انبیاء، آیه ۸۷) خیال کرد بر او سخت نخواهیم گرفت. خداوند سخت گرفت و آن مجازات کذایی (زندانی در شکم ماهی) رخ داد. امروز نیز حجت برای تمامی نهادهای تصمیم‌گیر و نهادهای علمی و تبلیغی حوزه‌های علوم دینی و حتی بر یکایک روحانیت تمام است. کوتاهی در تقویت و به‌روزرسانی نرم‌افزار انقلاب اسلامی موجب غضب و عذاب الهی می‌باشد. براین اساس نگرانی برای حال حوزه و دغدغه چگونگی فردای آن سخن‌همیشگی است. خوش‌بختانه در زمینه زیرساخت و تشکیلات و نظامی هم‌سو با انجام وظیفه پشتیبانی نرم‌افزاری از نظام اسلامی حرکت‌های درخشان و رو به جلو انجام گرفته است. چشم‌انداز فرداهای حوزه، برنامه بیست‌ساله و هم‌اکنون برنامه پنج‌ساله حوزه‌های علوم دینی با نگاهی جهانی‌اندیش و تمدن‌ساز آماده شده است. اما شتاب تحولات جهانی و دگرگونی در مناسبات و زندگی بشر بسیار است و هنوز حوزه‌ها نتوانسته‌اند خودشان را با این شتاب نرم‌افزاری و سخت‌افزاری همراه کنند.

# حوزه و فردایی دیگر



تاکنون سخن‌ها و نوشته‌های بسیاری در بایستگی و چگونگی «تحول حوزه‌های علوم دینی» و به سامان‌سازی و به‌روزشدن شیوه‌های انجام بهینه رسالت عصری حوزویان گفته شده است. دو راهبر انقلاب اسلامی نیز چون نشاط و شکوفایی و راست روی انقلاب اسلامی را در نشاط علمی و شکوفایی فکری و جهاد و اجتهاد عملی روحانیت می‌دانسته‌اند و جدایی حوزه‌های علوم دینی را از انقلاب مخاطره‌آمیز برای هر دو نهاد دیدند. در هر فرصتی چگونگی تکلیف‌بانی روحانیان را برابر انقلاب اسلامی با حوزویان در میان نهادند، منشور روحانیت بنیادگذار جمهوری اسلامی و سخنان راهبردساز و پیشروانه رهبر کنونی انقلاب، سرمایه بسیار بزرگی برای انجام بهینه رسالت حوزویان در پاسداری از انقلاب اسلامی و ساختن حوزه‌ای در تراز انقلاب اسلامی و مهدوی است هر دو راهبر، گرانی‌گاه سخنان‌شان، هم‌سرنوشتی حوزه‌های انقلاب اسلامی و توان‌مندسازی حوزویان برای پشتیبانی سودمند از آرمان‌های انقلاب و راست‌اندیشی و راست روی آن است. امام خمینی علیه السلام فرمودند: «اگر انقلاب اسلامی شکست بخورد اسلام برای سال‌ها سر بلند نمی‌کند.»



سردبیر - عبدالرضا ایزدپناه

خوش کرد و امروز این پرسش‌ها در قالب اشکال و شبهه بروز نموده است و بسیاری از این شبهه و پرسش‌ها به میز جامعه اندیش‌ورز و رسانه‌های ما بی‌پاسخ مانده است؛ هنوز که هنوز است، پول و بانک‌داری که در میدان زندگی اسلامی و ایمانی ما پرنمود است و اگر ربا بینجامد، جنگ با خدا به شمار می‌رود، ناگشوده مانده است. در سبک زندگی و چگونگی برخورد با زندگی مدرن و مدرنیته هم چنان در خم یک کوچه مانده ایم. ما باره‌ها در «مجله کاوشی نو در فقه» و «فقه اهل بیت (ع)»، پول و پرسش‌های جدی در ساحت اقتصاد بانک‌داری و حوزه هنر و موسیقی مطرح کردیم تا فقه‌پژوهان، اندیشه‌ورزی نمایند و فقیهان نظام پولی و بانکی پویا و اسلامی برگرفته از متون و منابع اسلامی را بنویسند.

و در میدان هنر هم تکلیف دین‌داران را روشن کنند و مجلس و شورای نگهبان این طرح‌ها و داده‌های اندیشوران حوزوی را رسمی و قانونی نمایند، گرچه گام‌هایی برداشته شد و تک‌تلاش‌هایی مخلصانه انجام گرفت ولی هم چنان مسائلی چون پول و بانک‌داری ناگشوده ماند و جامعه بانکی ما با نزول و ربا دست به گریبان است و در بخش هنر و تعیین مرزهای حلال و حرام آن، کاری راه‌گشا انجام نیافت. در گفت‌وگوها و اندیشه‌ورزی‌ها به این رسیدیم که ریشه نازیبی کار و ناکارآمدی تلاش‌های حوزویان در منطق تفکر و شیوه اندیشه‌ورزی

حوزه‌هاست. ما هم چنان تنها بر سکوی منطق ارسطویی و تفکر طولی وز می‌کنیم و در طراحی نظامات اجتماعی و زندگی دینی قالب‌های اندیشه‌ورزانه ذهنی را به میدان گشودن دشواری‌های عینی می‌آوریم، با این‌که بایسته می‌نمود که پس از انقلاب به دامن قرآن و اهل بیت (ع) چنگ زنیم و قرآن و گفته‌ها و سیرت عترت را قبله‌گاه و تحول اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خویش می‌کردیم آن هم نه با عینک منطق و فلسفه ارسطویی و راه‌حل‌های فردی اندیشانه، بلکه در کارساز هم‌افزایی با دست‌آوردهای بشری در معماری نظامات اسلامی و سبک زندگی تراز دینی در آستان قرآن و نهج‌البلاغه و ده‌ها جوامع حدیثی و روایی زانو می‌زدیم و شیوه اندیشه‌ورزی و رویکردهای جهاد و تلاش علمی را می‌آموختیم با رویکرد سازمندی‌سازی زندگی دینی مردم و ساخت جامعه تراز و طیّب اسلامی از قرآن و سیرت و سخن اهل بیت (ع) و میراث گران‌سنگ و مصلحان حوزوی که همراه با رفتن خودشان در گوشه کتاب‌خانه‌ها فراموش شده بودند، بهره می‌گرفتیم. در روزگار کنونی بایسته از نوشته‌ها و تلاش‌های علمی و فکری شهید صدر به ویژه منطق استقرا، طرح خلافت قرآن، اقتصادنا و مجتمعا و نیز از اندیشه‌های معمار قانون اساسی کشور شهید بهشتی که هم اسلامی است و هم پیشروانه بهره‌جست. به ویژه رهنمودهای امام خمینی (ع) و نگاه بلند آن بزرگوار و راه‌گشایی که در فقه و

احکام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اسلام داشته‌اند، پر بهره می‌گرفتیم و در سایه سار اندیشه و رهنمودهای گام‌به‌گام رهبر فرزانه انقلاب‌مان، آیت‌الله خامنه‌ای، جلو می‌رفتیم در اندیشه‌ها و گفته‌ها و رهنمودهای رهبری، راهبردهای راه‌گشا و اجراپذیر و کارایی است که می‌شود بنا و مبنا و سکوی گفت‌وگوها و نظام‌سازی‌های رو به جلو و تراز باشند، همو که جامعه علمی و فرهنگی کشور را از کوچک‌اندیشی به جهانی‌اندیشی فراخواند و از اندیشه‌گردی درون‌مذهبی و بسندسازی به منابع و داده‌های درون حوزوی، به حرکت اندیشه‌ورزی در قلمروی تمدن جهانی مهدوی فراخواند. خوش‌بختانه امروز سازمان‌های حوزوی و رسانه‌های حوزویان کار پژوهش و آموزش‌شان را تمدن مهدوی قرار دادند، بایستگی تمدن، زبای تفکر و شیوه اندیشه‌ورزانه در قامت تمدن جهانی مهدوی است، تمدنی که در صدر اسلام، جهان را تکان داد و بنای تمدن راریخت که خوبی‌های همه دست‌آوردهای خوب جهان از آن مکتب و تمدن خوب‌رو است. تمدن صدر اسلام وام‌دار قرآن و سیرت و راهبری رسول اکرم (ص) است. تا قرآن را به «صحنه» نیاوریم و شیوه‌های اندیشه‌ورزی و مبنا و منطق تفکر حوزوی با توجه به پرسش‌های نوپیدا و داده‌های فرهنگ و دانش جدید طراحی نکنیم. رسیدن به تمدن مهدوی درازدامن خواهد شد. وقتی به قرآن نگاه می‌کنیم اندیشه الهی شبکه‌ای و هم‌افزای چند سویه است، فرد را در جمع

را در تاریخ هستی می‌بیند و ایمان و اخلاق او را می‌سازد، قرآن کریم خود گوید: «وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ» (اسراء، آیه ۱۰۵) براساس واقعیت‌های انکارناشدنی و فطرت‌پذیر قرآنی نازل شده است و مهم‌تر ما هم این قرآن را با توجه و واقعیات و رخ‌داده‌ها و پدیده‌ها عینی و سنت‌های واقعی نازل کردیم. مهندسی فرهنگی و تدوین نظامات به ویژه نظام اندیشگی بدون پاس‌داشت این اصل ناکام است. در نظام اندیشه‌ای قرآن، معیار و محک حق و باطل نفع و سودی مردم و جامعه است و این نفع و سود است که ماندگاری باشد: «وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَمَا كُنَّا فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» (رعد، آیه ۱۷) نفی در اندیشه و حیانی گسترده معنای خویش را دارد که از عالم ذر تا دنیا به عنوان و آخرت را می‌گیرد. در قرآن عبرت از تاریخ به ویژه سیرت انبیا و اقوام آن‌ها و سنت‌های حاکم بر هستی و طبیعت که از عهد الست تا لقای خدا را می‌گیرد. مبنایش پیمان الست، پذیرش ربوبیت حق است و فرجام آن لقای خدای واحد قهار می‌باشد که: «لَيْنَ الْمَلِكِ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (غافر، آیه ۱۶) این کرانه تمدن مهدوی است، طراحی جامعه‌ای که منتظر واقعه تمدن مهدوی باشد، تهیه نرم‌افزاری زندگی‌ساز و جامعه‌پردازی با این قلمرو و کرانه به سوی بی‌کرانه است و برنامه‌هایی که در هر دو زندگی بشر را خوش‌بخت سازد. قرآن و اهل بیت (ع) برای رسیدن به تمدن و جامعه عدل مهدوی همراه و جهت رسیدن

به حکومت مهدوی را به ما نشان داده اند. قرآن عبرت از تاریخ به ویژه سیرت انبیا و سرنوشت اقوام آنان و سنت های طبیعت را اساس انسان سازی و جامعه پردازی قرار می دهد و سعادت انسان را در به هنگام سازی تلاش های تکاملی اش با سنت های حاکم بر هستی و طبیعت می داند. وقتی که می خواهد از راه درست و چگونگی پرورش انسان و بایستگی تزکیه و پاک سازی جان و روان از سیاهی های فرودین و زمین گیرانه، سخن بگوید به اهمیت اندیشیدن در خورشید و ماه و آسمان و زمین و شب و روز و معرفت نفس توجه می دهد و پس از سوگند به همه این ها می فرماید: «فَالْهَمَّهَا فُجُورُهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس، آیه ۸) پلیدی ها را به او شناساندم و راه تقوا را برایش برنمودیم. انسان برای رسیدن به موهبت های آزادی و رستگاری بایست جان را با شست و شو از پلیدی ها و یا جلوگیری از آلوده شدن به بدی ها بپیراید: «قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (همان، آیه ۱۰) ولی اگر آلودگی ها جانش را فراگیرد زندگی اش تبا و بدفرجام خواهد بود.

سوگند خداوند به پدیده های آفرینش آموزه های ویژه دارد، خداوند بیهوده قسم نمی خورد، قسم های خداوند در راستای همان هدایت وحیانی و بیرون آمدن از تاریکی ها به نور خوش زندگی گوارا و خوش فرجام است. قرآن برای اندیشه ورزی ما را به مطالعه عینی و تجربی در طبیعت و نظام هستی فرامی خواند حتی تفکر در ریز پدیده ها

را دستور می دهد و برای اثبات سخن خویش در هدایت مردم از آن ها بهره می گیرد از مگس، مورچه، پشه، گاو، شتر، سگ و الاغ تا کهکشان ها، ستارگان، ماه، خورشید، باد، باران و آفرینش آسمان ها و زمین و آینده دنیا و انسان و چگونگی آن سرای دیگر، آیا شده است حوزویان در برنامه ریزی تعلیمی آموزش و پرورش چشم و فکرشان را از قواعد تجربی به سوی پدیده های ریزودرشت طبیعی بگشایند و از راز و رمز آفرینش آن ها و کارکردشان در این نظام هستی برای رشد و سازندگی خویش و ساختن جامعه برمدار سنت های حاکم بر طبیعت که مهد و تجارت خانه و مزرعه انسان است را گیرند. تک نوشته ها و مفسرانی به این مهم پرداخته اند، ولی آن ها هم یک ساحتی و بدون رویکرد بهره گیرانه برای ساختن زندگی و جامعه طیب است. قرآن همان گونه که قواعد هدایتش را برجاودانگی انسان نهاده است و او را به ساختن زندگی و رفتار جاودانه اش می خواند به زندگی انسان شبکه ای می نگرد. منطق تفکر قرآن، انسان و جامعه و روابط آن را در بستر خلافت انسان بر زمین با رویکردی به درازای ابدیت و در یک شبکه به هم پیوسته در چهار رابطه خدا، طبیعت، هم نوع و نفس داشته های خدادادی اش می نگرد و هدایت و تعلیم و اخلاق و جامعه و عبادات را در این پهنه بر پهناور و دور انتها و پیراز و رمز می بیند. این است راز و رمز ضمیر «نا و نحن» در خطابات قرآن: «اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و:

«اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ اِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر، آیه ۹)، حتی در توحید فعلی و عبادی و راه یافتن به صراط مستقیم از ضمیر «نا» بهره برده شد: «اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» که نمود همان تفکر سیستمی و بالاتر از آن «شبکه ای» حاکم بر هستی است. پژوهش گران دینی و فاضلان حوزوی و طراحان و مدیران حوزه های علوم دینی براساس جهان بینی و نگره قرآن تا برمدار سنن الهی حرکت های علمی و برنامه ریزی و مدیریت خود را سازماند نکنند، نمی توانند در شاهرای تمدن مهدوی حرکت نمایند. طرح های یک سونگارانه، نگاه های یک جانبه و طولی، ندیدن و بهره نگرستن از جنود الهی که «لَا يَعْلَمُ اِلَّا هُوَ» و از توانایی های خدادادی مانند فطرت، عقل، نفس، قلب، روح و مشکات نور آسمان ها و زمین، هم سنگ ویژگی ها و مقتضیات تمدن مهدوی نخواهد بود. نخست باید قواعد تمدن مهدوی را که قرآن نشان داده است بشناسیم، تا بتوانیم حوزه علمیه ای در تراز رسیدن به تمدن و حکومت قائم عليه السلام را بسازیم.

بر همین اساس در دهه شصت در همین «مجله حوزه» گفتیم، حوزه نیازمند تحول عظیم زیربنایی و سیستمی است و هر چه زودتر برای انجام نقش خود در یاری رساندن به انقلاب بایست نظامی در تراز انقلاب اسلامی و نظامی معقول و خردپذیر در همه لایه هایش پیدا کند و از مدیریتی جهان نگر، هوشمند که هم دنیا را بشناسد و هم

روحانیت و میراث حوزوی را و هم با وظایف سنگینی که امروز روحانیت بایست انجام دهد آشنا باشد. و هم مشورت پذیر بوده و از نگاه و نظر خدمت گیرندگان و اندیشورزان بهره برد. تا بتواند آینده نگرانه و همه سونگر، سیاست گذاری، مدیریت و برنامه ریزی کند. خدایی را سپاس که امروز حوزه های علمیه با مدیریتی هوشمند، باتجربه، جهان شناس و انقلابی روبه رو هستیم، ولی بایسته است، افزون به تحول قالبی تحول قلبی و تربیتی ایجاد شود و افزون بر روش های نو، مدیریتی بر روش های نوینی در منطق اندیشه و روش اندیشه، پایوری گردد، زیرا اگر حوزه ها در شیوه های علمی پژوهشی، اندیشگی، تبلیغی و گونه تفکر عصری پیشرو نشود، نخواهند توانست در هدایت یک نسل امروز، پیشروانه عمل کند. بایست طرح تحول محتوایی واقع بینانه که پا در سنت دارد و سر به سپهر آینده پژوهانه، می ساید پی ریخت تا مدیریت در ایستگاه شکل و قالب باز نماند و این شکل و قالب نوع مدیریت علمی با محتواهای بلند دانشی، روشی و سازندگی در رفتار و زیست و ارتباطات و بهره برداری بهینه از فرصت ها و ظرفیت ها موفق به استقرار حوزوی جهانی اندیش، آینده نگر شود که به سوی تمدن انسان ساز و جهانی مهدوی بال و پر بگشاید.

در این صورت است که حوزه های علمیه می توانند در فرق تارهای نامرئی و مرئی عصر رسانه و ارتباطات و رسومات کهن اندیش پا

نهاد و به سوی حکومت عدل و انسانیت و معنویت صاحب امر فرازمند گردند و در این زمینه افزون بر مدرسان از ده ها دانش آموخته درون حوزه که از مدرسان به شمار نمی آیند و برون حوزوی که در سلک روحانیت نمی باشند، بایست بهره برد و در پیشبرد تحول حوزه و ساختار نظامات آن نقش داد. این مهم مدیریت حوزه را در نیازشناسی و بهره برداری از ابزارها و روش های نو و تهدیدهای پیش رو یاری می رساند که در نقش حوزه های جعفری امام صادق (ع) در این زمینه فرمود: «الإستشار عین الهدایه وَ قَدْ خَاطَرَ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ»؛ (الحیة، ج ۱، ص ۱۶۵) نظرخواستن و مشورت با دیگران عین هدایت است و هر که خود را از اندیشه های دیگران بی نیاز بیند به مخاطره و دردسر افتد.» یکی از راه ها این است که امروز که نهادها در حوزه استقرار پیدا کرده همه اندیشوران و فاضلان خوش اندیش بر توفیق مندی مدیران حوزه اجماع کنند و مدیران هم با گشاده دلی درهای گفت و گوهای انتقادی را بر روی نخبگان در همه زمینه ها باز کنند و به استقبال ایده های راه گشا بروند همان گونه که اشاره کردم.

امروز کار حوزه ها بسیار سنگین است زایمانی سخت بایسته است تا زایش در محتوا و روش پدید آید و تحول و کمال در محتوا انجام گیرد و این دگرگونی از منطق اندیشه تا روش اندیشه تا نوع نگاه با تغییر رویکردها را فراگیرد.

حوزه امروز رسالتش هم علمی است و هم عملی هم امر اندیشگی هم تبلیغی و عرفی.

امروز که حاکمیت با انقلاب اسلامی است حوزه ها نمی توانند بگویند من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم، خواه از سخنم پندگیر خواه ملال، بلکه بایست که پای دردل مردم بنشینند گوش باشند و رخ دادها را ریشه یابی کنند درد را بشناسید و درمان کنند، منتظر نمانند که مردم به سراغ آن ها بیایند، آن ها به سراغ مردم بروند و پیامبران طیب دؤار بطبه باشند. در این دوران که ما حاکمیت انقلاب اسلامی مذهب با معیشت مردم گره خورده است روحانیان در هر مقامی مناسب در خانه بنشینند و منتظر آمدن مریدان و دوست بوسی باشند بلکه بایست خود آن ها به دست بوسی محرومان و مردمی که داشته خودشان برای یاری دین خدا جهاد کرده و شهید دادند شیوه هدایت انبیا تنها گفت و گو نبود، بلکه همراهی و همگامی با مردم است، شناخت و رعایت استعدادها و واقعیت هاست دل سوزی و ایثار و محبت است حضور طبیبانه در همه لایه های زندگی مردم است طبابتی پویا، کارا و مراقبت دائم از سلامت ایمانی، اخلاقی و معنوی و معیشتی جامعه امام (ع) مؤمنان فرمود: «الفقر سواد وجهین» تنگی معیشت روسیاهی دو سرا را همراه دارد و ابوذر فرمود: «فقر و سختی معیشت از یک در که وارد شود ایمان از در دیگر آن بیرون می رود.» عالم وظیفه بان هر بامداد و پگاه بایست هم کار خودش را بسنجد و از چند و چون و اندازه اثر و پیشرانی اش بازخورد بگیرد و ببیند جامعه او جهان او

مطالعه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
تال جامع علوم انسانی

میدان عملیات و کار و مسئولیت او در چه حال و روزی است چه رخ دادهای نوعی پدید آمده است و چه مسئله هایی که در کار آن بود از اهمیت افتاده است. هادیان جامعه هر روز باید نو شوند و نو بیندیشند و نو حرکت کنند. این ها و شماری از ضرورت ها و بایسته ها ما را بر آن داشت تا برای چندمین بار به مناسبت سفر پرچم دار مکتب اهل بیت (ع) به حوزه قم و پاس رهنمودهای راه گشا و پربهای آن فرزانه به «تحول در حوزه» بیندیشیم، گرچه ایشان در این عصر پرشتاب پس از آن سفر، دیگر تحول را هم قامت نیازهای نوپدید ندیدند و از حوزه انقلابی سخن به میان آوردند که خوش بختانه برخی نهادهای حوزوی، استقبال کردند. نشست ها و ویژه نامه ها و گفت و گوهای راه گشا انجام گرفت و مدیریت هوشمند و بیدار و دانشور حوزه نیز از آن رهنمودها و این داده ها بهره گرفتند و با تشکیل اندیشکده و مرکز مطالعات حوزه و روحانیت و تشکیل کمیته های گوناگون پاس می دارند.

«مجله حوزه» نیز شماره ای را به حوزه انقلابی ویژه کرد و لایه هایی از بایستگی انقلاب در حوزه برای انقلابی شدن حوزه برنمود و در این شماره نیز به پاس داشت یاد حضور رهبر عزیز و فرزانه و نشست با مراجع و عالمان و فاضلان و طلاب و گفت و گو در نیازهای پیش روی حوزه ها و رسالت جهانی روحانیون شیعه و فرصت ها و تهدیدها فراروی روحانیت و انقلاب گپ و گفته هایی داشتند و در فیضیه رهنمودهای افق گشا فراروی مدیریت حوزه های علمیه و عالمان دل سوز و مسئولیت بان نهادند. امید است که به یاری خداوند در آینده شمارگانی را به نقد منطق تفکر کنونی حوزه و چند و چون و شیوه تدوین منطق تفکر شبکه ای - قرآنی حوزه پردازیم و با بهره وری از میراث بزرگان و مصلحان حوزه و روحانیت راهی نور را از قرآن و حدیث و سیره برای انجام رسالت عصری و روزآمد حوزویان بجوییم، إن شاء الله.